

مگر در مواردی که این عمل در خیابان بوده یا مواردی که شاکی خصوصی دارد. البته زنا به عفت به دلیل داشتن وجهه حق الناسی متفاوت است. مقررات پوشش جرم و بزه پوششی در قانون پیش‌بینی شده است که کاملاً به حقوق شهروندی مرتبط است؛ یعنی از حقوق شهروندان در جمهوری اسلامی پوشانده شدن است که در قانون کامل مشاهده می‌کنید. همان‌طور که حضرت امیر فرموده‌اند: «فإن فی الناس عیوباً الوالی أحمق من سترها»؛ «برای مردم عیب‌هایی است که حاکم از همه سزاوارتر است بر پوشاندن آن‌ها»؛ یعنی این حق شهروندی مردم است که عیوب آن‌ها تفتیش نشود؛ مگر اینکه آن عمل به طور علنی اتفاق افتاده باشد.

قانون ۱۲۹۱ آیین دادرسی کیفری کشور از قانون ناپلئون ترجمه شده بود و در این قانون سیستم دادسرا و دادگاه وجود داشت. در آن قانون دادسرا سیستم تفتیشی داشت. اول انقلاب ما قانون ماهوی، یعنی یکسری قوانین مجازات را از اسلام گرفته بودیم، به اضافه مجازات‌های کیفری آیین دادرسی کیفری فرانسه و مجازات‌های سنگین اسلام را با سیستم تفتیشی فرانسه اجرا می‌کردیم. این شکاف باعث شده بود که در عمل تعداد زیادی مجازات انجام می‌شد و همه فکر می‌کردند که وجه سیستم اسلامی تا این حد شدید است. در صورتی که سیستم اسلامی در کنار آیین دادرسی اسلامی معنا پیدا می‌کرد. شما نمی‌توانید هیچ مجازات سنگینی را با یک بار اقرار حتی با وجود علم قاضی مجازات کنید؛ درحالی‌که اسلام برای آن چهار بار اقرار در نظر گرفته است؛ اما اسم سیستم فرانسوی روی آن بود؛ یعنی تفتیشی! دادستان مأمور بود که برود بگردد و مجرم را بیابد و ادله جمع کند و او را برای مجازات

**۹۹ در اسلام مجازات‌های شدیدی برای بازدارندگی قانون ایجاد شده، اما در عمل قانون‌گذار به دنبال آن بوده است که همه موارد مجازات نشوند. مورد برجسته آن وجه و جرائم منافی عفت و جرائم اخلاقی بوده که بر خلاف قوانین قبلی و آیین دادرسی قبلی می‌بینیم که سختگیری اثبات این جرائم در قانون بسیار زیاد شده است. ۶۶**

به دست قاضی دادگاه بسپرد. دفاع از مجازات شدن هم وظیفه ذاتی دادستان بود، کشف جرم، جمع‌آوری ادله و دفاع از مجازات متهم کار دادگاه بود و متهم در دادگاه در مقابل این ادله باید از خود دفاع می‌کرد؛ در صورتی که سیستم اسلامی این‌گونه نیست، به خصوص در جرائم منافی عفت و اخلاق که شاکی شخصی وجود ندارد.

چهار بار اقرار توسط کسانی که خودشان عمل منافی را دیده باشند، معیار اسلامی بود و توصیه‌های مکرر متعددی در روایات وجود داشت که در این‌گونه جرائم شهادت ندهید؛ مثلاً امیرالمؤمنین می‌فرماید که من هیچ‌گاه در جرم زنا شهادت نمی‌دهم؛ چون ممکن است من شهادت بدهم و نفر چهارم شهادت ندهد و من به ۸۰ حد شلاق محکوم شوم. اگر سه نفر شهادت بدهند هر سه شلاق می‌خورند، باید چهار نفر باشند و هر چهار نفر هم شهادتشان صحیح باشد.

حقوق اساسی شهروندی در جامعه اسلامی برای شهروندان مسلمان است. قوانین کیفری ما به دلیل اینکه مانند قوانین آیین دادرسی فرانسوی بود و برای جامعه دیگری نوشته شده بود، ماده ۲۴۱ قانون مجازات کاملاً مشخص کرده که ضابط و قاضی موظف به پوشاندن جرم خلاف عفت است و حق ندارد، این جرائم را دنبال کند.

این موضوع را حضرت امام علیه السلام هم در هشت فرمان بیان کردند؛ ولی به دلیل اینکه تبدیل به قانون شده بود و قانون فرانسوی بود، در عمل اجرا نمی‌شد و به حقوق کشانده نشده بود. در پیام هشت ماده‌ای امام آمده که اگر برای گرفتن جاسوس به خانه‌ای رفتید و آلات لهو و لعب و فحشا وجود داشت، حق ندارید حتی آن را ضبط کنید، فقط حق دارید که شخص را نهی از منکر کنید و اگر کسی بیاید این‌ها را بیرون بگوید خودش تقصیر دارد و اگر یکی از مسئولین حکومت اسلامی این پوشاندن را رعایت نکند، مجازات می‌شود.

امروز تفکیک بین حوزه خصوصی و عمومی را مشاهده می‌کنید. در قوانین ما حریم خصوصی رعایت نشده، اما در قوانین کشورهای مختلف حریم خصوصی با توجه به عرف جامعه آن‌ها تعریف شده است. در اسلام هم حریم خصوصی دایره بسیار گسترده‌تری دارد؛ حتی گسترده‌تر از کشورهای امروزی بشری با نظریات فلسفی

غربی. هر چند در ظاهر ممکن است فکر کنید مثلاً مقرراتی که درباره پوشش در اسلام وجود دارد، در کشورهای مدرن وجود ندارد؛ پس مسئله حریم خصوصی در اسلام این‌طور نیست که در کشورهای غربی می‌گویند. در غرب ورود ضابط قضایی به حریم افراد کاملاً باز است و هیچ تفکیکی میان جرائم عمومی و خصوصی وجود ندارد. آنجا جرم یا قابل گذشت است یا قابل گذشت نیست؛ اگر قابل گذشت بود که باید شکایت کرد وگرنه دادستان باید ورود کند. در خیلی از کشورهای غربی زنا با محارم جرم‌انگاری شده است و دادستان موظف است تفتیش و کشف و در فرجام کار مجازات کند؛ یعنی شاکی خصوصی نمی‌خواهد، اما این جرم در مقررات اسلامی نیازمند شاکی خصوصی است.

مجازات‌های بازدارنده و تربیتی است که در عمل اجرا نشود و فرد را توصیه به تقوا و توبه کند. تفتیش در این زمینه جایگاهی ندارد. در مواقع فردی و اخلاقی دادستان ورود نمی‌کند و شما نظریه‌های کیفری غربی این رویه را مشاهده نمی‌کنید؛ اما اگر کسی خانه فساد ایجاد کند و امنیت عمومی جامعه را به هم بزند و فساد و فحشا را در میان مردم اشاعه دهد، دادستان ورود می‌کند. در کشورهای غربی حد وسط ندارد یا شما مجرم هستید یا نیستید اگر مجرم بودید باید دادستان ورود کند و همه ادله را در بیابد و به دادگاه ارائه کند ولی مجازات کردن در اسلام این‌طور نیست، یعنی جرم هست اما به دنبال مجازات کردن تو نیست و این حقی از حقوق شهروندی اسلامی است که سال‌ها مغفول مانده بود و در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به آن توجه شد.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: به نظر شما دستاورد قانون مجازات جدید چیست؟ بعد از هفت سال کدام تغییر و تحولی درباره قانون مجازات در دهنتان است؟ آیا بخش‌هایی وجود دارد که باید به قانون اضافه یا از آن کم شود یا بر طبق تجربه مناسب نبود و لازم است تغییر کند؟**

مهم‌ترین دستاورد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نظریه‌دار شدن آن است. قانون مجازات هر کشوری نظریه دارد. قوانین چین، آمریکا و اروپا را که نگاه کنید، می‌بینید که کاملاً دارای نظریه